

رہبران مشروطہ

دورۂ سوم - بیوگرافی پنجم

# صدرالاشراف

تحقیق و تالیف

از :

ابراہیم صفائی

چاپ شرق

چهل و هفتمین ییوگرافی از دوره  
ییوگرافی های رهبران مشروطه

جزوه ششم دوره سوم  
ییوگرافی محمود جم خواهد بود

۲۵ ریال

خیابان روزولت - کوچه شیمی - شماره ۲۰

رہبران مشروطہ

دورہ سوم - بیوگرافی پنجم

# صدرالاشراف

تحقیق و تالیف

از :

ابراہیم صفائی

چاپ شرق

## یادآوری

چنانکه در پایان دوره دوم نوشتیم برای اطلاع نسل جوان و آیندگان همه پیشوایان مشروطه و رؤسای مجلس و نخست وزیران دوران مشروطه را زیر عنوان «رهبران مشروطه» معرفی خواهیم کرد، زیرا نامی که شامل هر سه گروه باشد جامع تر از عنوان «رهبران مشروطه» نیافتیم، مفهوم رهبر جز آنکه بایشوا و بنیانگذار فرق دارد، رؤسای مجلس و نخست وزیران دوران اخیر مشروطه هر يك مدت زمانی حکومت مشروطه را رهبری کرده اند، اما چگونه رهبری کرده اند، آن چگونگی در هر بیوگرافی مورد بحث ما قرار خواهد گرفت.



صدرالاشراف

سید محسن صدر فرزند سید حسین محلاتی است ، سید حسین ملاک و 'ملا' بود و از یک دودمان قدیمی و روحانی نسب می برد و در محلات نفوذ کلام داشت .

سید محسن بسال ۱۲۸۸ ق ( ۱۲۵۰ ش ) در محلات دیده بجهان گشود و از شش سالگی تحصیلات ابتدائی متداول آن زمان را نزد پدر و در مکتب خاندهای محلات آغاز نمود .

سید حسین نفوذ محلی داشت و در برابر تعذبات فرمانداران محلات که عامل ظل السلطان بودند خموش نمی نشست، ازینرو ظل السلطان به او خشمناک شد، وی ناچار بسال ۱۲۹۶ ق از محلات بطهران آمد .

سید محسن صدر هم از سال ۱۲۹۶ یعنی از هشت سالگی بدطهران آمد وزیر نظر سید صدرالدین صدرالاشراف محلاتی (عموی خود) که از ملایان درباری و داماد عزت الدوله خواهر ناصرالدین شاه و معلم چند فرزند شاه بود بتحصیل دانش پرداخت و پس از طی مدارج تحصیلات مقدماتی در آموختن فقه و اصول و ادبیات فارسی و عربی کوشش کرد .

صدر در سال ۱۳۰۶ ق همراه پدر به محلات بازگشت و در محلات

با دختری از منسوبان خود ازدواج کرد و دو سال بعد به اتفاق همسرش به طهران مراجعت نمود و بتکمیل تحصیلات خود در فقه اسلامی و فرا گرفتن علم کلام و حکمت نزد استادان فن و مدرسان مدرسه سپهسالار مشغول شد و از مختصر درامدی که از ممر زراعت محلات داشت زندگی میکرد .

در این سال ناصرالدین شاه از سید صدرالدین صدرالاشراف خواست که سالارالسلطنه پسر کوچک او را صرف و نحو و مقدمات عربی بیاموزد ، سید صدرالدین بواسطه پیری و نارسائی چشم عذر خواست و برای اینکار سید محسن را معرفی کرده وی را بحضور شاه برد ، بدین ترتیب سید محسن معلم سالارالسلطنه شد و ماهیانه‌یی برای او مقرر گردید . دو سال بعد که سید صدرالدین درگذشت شاه لقب «صدرالاشراف» را به سید محسن داد .

پس از ناصرالدین شاه رابطه صدر با دربار گسیخت ، اوچند سال به تکمیل تحصیلات خود مشغول شد و از در آمد مختصر خویش معیشت می گذاشت و در مدرسه سپهسالار هم برای گروهی از طلاب مبتدی مقدمات عربی و بخصوص کتاب «صمدیه» را تدریس می کرد .

در شعبان ۱۳۲۰ ق بین چند طلبه مدرسه سپهسالار با چند فراش و فراشباشی حکومت طهران که تجاهر به فسق کرده بودند نزاع سختی روی داد . طلبه‌ها در مقام «نهی از منکر» برآمده بودند و یکی از آنان بوسیله فراشها بسختی مضروب شده بود ، این پیشامد در مدرسه سپهسالار

هیجانی سخت بوجود آورد و طلاب مجتمع و متحد شدند و بتظاهرات بر ضد حاکم طهران دست زدند ، طلاب دیگرمدارس با آنان همصدائی کردند و گروهی از مردم نیز بیاری آنان برخاستند و مجازات مأموران خطاکار و عزل عینالدوله حاکم طهران را خواستار شدند .

راپرت نویسان ضمن گزارش وقایع شهری ، تظاهر طلاب مدرسه سپهسالار را بد مظفرالدین شاه اطلاع دادند ، شاه از سید عبدالله بهبهانی خواست که طلاب را از شورش باز دارد .

سید عبدالله بمدرسه سپهسالار رفت و از آنچه روی داده بود بخوبی آگاه شده طلاب را بد احقاق حق امیدوار ساخت و بد تجمع و تظاهر آنان پایان بخشید .

صدر در خواباندن شورش طلاب با سید عبدالله بهبهانی همکاری کرد و از این زمان با او مربوط شد .

اینک سندی از مظفرالدین شاه درباره ایستادگی طلاب (۱)

---

۱ - متن سند با خط اتابك - قربان خاکپای جواهر آسای اقدس همایونت شوم جواب آقا سید عبدالله هم الآن رسیده تقدیم داشت از عرض خاکپای مبارك میگردد و طلاب هم متفرق شده رفته اند ، محض اطلاع خاطر مهر مظاهر جسارت شد ، الامر الاقدس الاعلی مطاع مطاع (حاشیه سند بخط مظفرالدین شاه) جناب اشرف اتابك اعظم - عریضه شما را باکاغذ جناب آقا سید عبدالله مجتهد سلمه الله تعالی ملاحظه نمودیم ، اولاً این مطالب را باید بجناب شما بنویسم که بمردم حالی بکنید عمل سلطنتی دخلی بکارهای دیگر بقیه پاورقی در صفحه هشتم



در همین سال صدر بواسطه فوت پدرش بد محلات رفت و برای سرپرستی بازماندگان پدر و تنظیم کارهای آنان و تقسیم ماترک دو سال در محلات ماند و اواخر سال ۱۳۲۲ بطهران بازگشت .

چندماه پس از بازگشت او بود که روحانیان و طلاب برضد عین-الدوله برخاستند و رفته رفته صحبت عدالتخانه را پیش آوردند ، صدرهم که در سلك روحانیت بود با نهضت روحانیت همراه شد، اما چون بی طرف و سستکوش و کم تلاش بود و جانب محافظه کاری را نگه میداشت در آن میان نامی بدست نیاورد .

### انجمن آل محمد و مشروطه مشروعه

چنانکه در بیوگرافی های پیشین رهبران مشروطه دیدیم پس از استقرار مشروطه بین شیخ فضل الله نوری که خود از سران نهضت مشروطه

---

بقیه باورقی از صفحه شش

ندارد ملك عقيم است انسان تا هر درجه بتواند در ابقای ملك ميكوشد از خون ريختن و بلند کردن مضايقه نمي كند پس بايد ببعضی حرکات ناشايست دست نزنند ، بطور قاعده از روی عقل متظلمانه عرض خودشان را بکنند آنوقت دولت هم حقش اين است که عرض عارض را برسد، حق مظلوم را از ظالم بگيرد، علماء هم حقشان اين است که عرض آنها را برسانند به پادشاه، باری حالا که اين قسم کردند البته ما هم بعرض آنها رسيدگی می کنيم هر کس که خلاف کرده است بجزای خودش ميرسد ۱۳۲۰ شعبان - البته التفات ما را به جناب آقا سيد عبدالله مجتهد سلمه الله تعالى برسانيد .

بود با دیگر رهبران اختلاف افتاد . این اختلاف در ماه رجب و شعبان ۱۳۲۴ وقتی که قانون اساسی تنظیم می‌شد بروز کرد، شیخ برخلاف قضاوت‌های مغرضانه و نامربوطی که درباره او شده هیچ غرض شخصی نداشت و بلکه از روی ایمان و یقین معتقد بود که قانون اساسی و قوانین عرفی نباید برخلاف قوانین اسلامی باشد ، خواه صحیح و خواه ناصحیح این باور دینی او بود ، بهمین منظور برای تأمین نظریه شیخ متن قانون اساسی را پس از تنظیم به اودادند که با قوانین شرعی تطبیق دهد ، او هم تطبیق داد و موارد اختلاف را رد کرد ولی هیئت تنظیم‌کننده قانون اساسی نپذیرفتند و گفتند ، اگر چنین باشد حکومت ما مشروطه شناخته نخواهد شد .

شیخ ایراد های آنان را بمصلحت موقع پذیرفت و اصل تطبیق قوانین عرفی را با قوانین شرعی و نظارت مجتهدان را برای تمیز هماهنگی موازین شرعی و عرفی ( اصل<sup>۲</sup> متمم ) بر قانون اساسی افزود ولی قانون نویسان که به تجدد اوضاع نظر داشتند در اصل مربوط به نظارت مجتهدان هم طوری تصرف نمودند که آن اصل را از اعتبار انداختند ، شیخ چون چنین دید از روی خلوص و اعتقاد مذهبی عنوان « مشروطه مشروعه » را پیش کشید و به اتفاق پانصد نفر از روحانیان از جمله سید احمد طباطبائی برادر سید محمد و جمعی از مردم به حضرت عبدالعظیم مهاجرت کرد ( ۱۳ جمادی الاول ۱۳۲۵ ) شیخ نظامنامه اساسی را بصورتی که تهیه شده بود « ضالالت نامه » می نامید و بر آن ایرادها داشت و در رساله های

خویش مغایرت بیست اصل از نظامنامه اساسی را با احکام اسلامی و فقه مذہب جعفری بد استنباط خود ثابت کرد، او در مقدمه یکی از رسالاتش در باره مشروطه نوشت «کلمه طیبه عدل را هر کس اصفا نمود بی اختیار در تحصیل آن کوشید و بدان اندازه وسعت ببذل مال و جان خود داری نکرد منجمد خود داعی هم اقدام در این امر نموده و متحمل زحمات سفر و حضر شدیم دیدم دستدئی از مردم که همه وقت مرمی ببعضی از انحرافات بودند وارد کار شدند کم کم کلمات موهمه از ایشان شنیده شد حمل بر صحت می شد، تا اینکه یکدرجده پرده از آن برداشتند و بنای انتخاب و کلا و مبعوثین و تکیه بر اکثریت آراء را گذاشتند باز هم اغماض شد که اینها برای انتظام امور و بسط عدالت است، تا رفتند رفته بنای نظامنامه و قانون نویسی شد، گاهی با بعضی صحبت می شد که این کارها چه معنی دارد موکل کیست؟ و موکمل فیه چیست؟

چنین می نماید که جعل بدعتی و احداث ضاللتی می خواهند بکنند والا اگر مطالب امور عرفیه است این ترتیبات لازم نیست و اگر مقصود امور شرعیه عامه است این امر راجع بولایت است ندو کالت و ولایت در غیبت امام زمان عجل الله تعالی فرجه با مجتهدین است ند با فلان بقال و بزاز و اعتبار بد اکثریت آراء بمذہب امامیه غلط است.

بالجمله این فتنه عظیم از بدو ظهور و بروز سه مرحله راطی کرد، اول مرحله تقریر و عنوان، دوم مرحله تحریر و اعلان، سوم مرحله عمل و

امتحان، کردند آنچه کردند از زشتی‌ها و ناروایی‌ها» . (۱)

شیخ در برابر انجمن‌های ملی برای آشنا کردن مردم با معتقدات خود اقدام بن‌تاسیس انجمن‌های مذهبی کرد، یکی از آن انجمن‌ها انجمن آل محمد بود .

صدرکد از مشروطه خواهان اعتدالی و در این طریقه از پیروان عقیده شیخ بود بریاست انجمن آل محمد برگزیده شد، در این انجمن رساله‌ها و نوشته‌های شیخ و دیگر مجتهدینی که همعقیده شیخ بودند برای مردم خوانده و توضیح می‌شد، صدر در این انجمن درباره مشروطه مشروعه سخنرانی‌هایی داشت (برخلاف گفته نویسندگان تاریخ انقلاب مشروطیت) کوشش انجمن آل محمد تنها برای جلب افکار مردم و توجیه و توضیح هدف مشروطه مشروعه بود، نه برای مخالفت با مشروطه و مزاحمت مشروطه خواهان، بهر صورت خدمت صدر در انجمن آل محمد طولانی نشد، در رمضان ۱۳۲۵ که مخبر السلطنه هدایت در کابینه ناصرالملک قراقرز لو وزیر عدلیه شد، صدر را به خدمت قضائی دعوت کرد و به معاونت محکم‌جزا منصوب داشت و او با اشتغال قضائی از کارهای انجمن دست کشید و پس از شش ماه بریاست محکم‌جزا ارتقاء یافت .

---

۱ - از جلد پنجم انقلاب مشروطیت ایران تألیف ملک‌زاده (شیخ در این عقیده تنها نبود بلکه بیشتر روحانیان ایران و طهران با او همفکر بودند و اطاعت از اکثریت آراء را خلاف مذهب جعفری میدانستند و وضع قوانین مغایر با قوانین اسلامی را بدعت می‌شمردند ولی فعالیت نداشتند .)

## محكمة باغشاه

پس از بمباران مجلس (۲۳ ج / ۱ / ۱۳۲۶ ق) و گرفتاری جمعی از مشروطه خواهان و مخالفان محمد علیشاه چند نفر از دستگرددگان چون ملك المتكلمين و قاضی ارداقی و جهانگیرخان در باغشاه کشته شدند ، سفارت فرانس و انگلیس بداین روش یعنی مجازات اشخاص پیش از ثبوت تقصیرشان در يك محكمه صلاحیتدار اعتراض نمودند .

شاه در ۲۶ / ج / ۱ فرمان عفو عمومی صادر کرد و برای گرفتاران باغشاه که از نظر در بار تقصیرشان محرز بود دستور تشکیل يك دادگاداد و فرمانی برای مشیر السلطنه در اینخصوص صادر نمود . (۱)

در اجرای این فرمان مشیر السلطنه رئیس الوزراء از روز ششم ج / ۲ محکمہ بی زیر نظر مؤیدالدوله حاکم طهران تشکیل داد . از این اشخاص

---

۱ - متن فرمان « جناب اشرف مشیر السلطنه - منظور خاطر ما امنیت مملکت و آسودگی عامه رعایای باشد و اقداماتی که در دستگیری مفسدین و اشرار شده بجهت آسایش و رفاهیت عامه بوده است برای اینکه مردمان بی تقصیر و رعایای صلحجو از تزلزل خارج شده از رأفت و حمیت ذات ملوکانه ما بهره مند شوند بموجب این دستخط عفو عمومی را شامل حال کافه مردم داشته تصریحاً از تمام متهمین اغماض میفرمائیم ، در حق آنها هم که گرفتار شده اند مجلس استنطاقی از اشخاص بی غرض منصف تشکیل خواهیم داد تا بدقت غوررسی کامل نمایند هر کس بی تقصیر است مرخص شود بشرط آنکه اهالی از حدود قانونی که از طرف حکومت نظامی منتشر می شود تجاوز ننموده مرتکب حرکت خلاف قاعده نشوند - محمد علی شاه

مؤید السلطنه ( از معتمدین ) ارشد الدوله ( از نظامیان ) عون الملك ( رئیس محاکمات وزارت خارجه ) میرزا عبدالمطلب یزدی مدیر روزنامه آدمیت ( از مشروطه خواهان ) صدرالاشراف و احمد اشتری ( از عدلید ) و محقق نظمه ( از پلیس ) تشکیل داد تا بمحاکمه زندانیان باغشاه بپردازند، اعضای محکمه باغشاه از مردمان بی طرف بودند و مشیر السلطنه بهمدآنان تصریح نمود که بی گناهان را آزاد کنند و سوگند یاد کرد که شخص شاه و خود او هیچ مقصودی جز اجرای عدالت ندارند .

چون تابستان بود محکمه در يك چادر بزرگ در محوطه باغشاه تشکیل شد و بجز اعضای محکمه جمعی از درباریان و روحانیان و لشکریان هم در جریان محاکمه ناظر و تماشاچی بودند ، بازپرسی بیشتر بوسیله مؤید السلطنه و محقق نظمید انجام می شد ، این محکمه در مدت قریب يك ماه ونیم بد بیگناهی بیشتر گرفتاران باغشاه رأی داد و بیش از چهارصد نفر را آزاد کرد و گروهی را که عده آنان از چهل نفر متجاوز نبود زندانهای کوتاه مدت ( کمتر از یکسال ) یا تبعید محکوم ساخت . گرچه تاریخ نویسان مشروطه از هیچگونه ناسزاگوئی نسبت به اعضای محکمه باغشاه خود داری نکرده و همه را تالی شمرویزید شمرده و لقب « درخیم » و « میر غضب » بدآنان داده اند .

ولی باید دانست محاکمه شدگان در این محکمه متهم به مخالفت و توطئه گری برضد جان و سلطنت محمد علی شاه و قیام مسلمانان علیه دولت و قتل سربازان و قزاقان دولتی بودند و برخی از آنان اتهامشان

سروکار داشتن با سفارت‌های خارجی بود، محاکمه متهمان باغشاه روی همین جرم‌ها بود نه روی گناه مشروطه خواهی.

در آن جدال استبداد و مشروطه، محمد علی‌شاه پیروز شده و محکمه از طرف رژیم پیروز برای محاکمه مخالفانی که از نظر دولت مرتکب جرائم عمومی بودند تشکیل شد، با اینحال و درچنان شرائط سخت، محکمه باغشاه بیشتر متهمان را تبرئه ساخت و معدودی را بد حبس و تبعید کوتاه مدت محکوم کرد، شاه و مشیرالسلطنه هم در تمام موارد احکام دادگاه باغشاه را تایید و امضا کردند.

بد ندرت اتفاق افتاده است که محکمه‌ای از طرف رژیم پیروزمند برای محاکمه مخالفان تشکیل شود و تا این حد ارفاق داشته باشد. خود مشروطه خواهان وقتی بر رژیم محمد علی شاه چیره شدند نسبت به مخالفان تجاوزها کردند و خونها ریختند و باجها گرفتند و بیدادها و غارت‌ها روا داشتند، اما چون پیروز بودند تاریخ مشروطه بتمام اعمالشان صبغه داد پروری و عدالت زد.

صدر در باره تشکیل دادگاه باغشاه چنین نوشته است.

«يك هفته يا بيشتر از بمباران مجلس و كشتن اشخاص مذکور در باغشاه گذشته بود، نامدیی از مشیرالسلطنه صدراعظم وقت بمن رسید بمضمون اینکه درروز ششم آن ماه برای رسیدگی و تحقیق حال محبوسین مجلسی در باغشاه منعقد است و شما بعضویت آن مجمع انتخاب شده‌اید لازم است با يك نفر نویسنده در روز مزبور چهار بعد از ظهر حاضر شوید،

من تا آنوقت بهیچوجه بادر بارارتباطی نداشتم ولی شنیده بودم مشیرالسلطنه  
مرد مسلمان بی غرضی است، یک روز قبل از روز موعود بیاعشاه رفتم ،  
مشیرالسلطنه را ملاقات و از او سؤالاتی کردم ، اول اینکه مناط تقصیر  
چست ؟ اگر مشروطه طلبی تقصیر است من خود مشروطه خواهم ، دوم  
اینکه چه منظوری از تشکیل این مجلس است؟ سوم اینکه برای تشکیل  
چنین مجلسی چه موجب شده و آیا در قبول این امر آزادم یا بمناسبت  
شغل عدلیه مجبورم حاضر شوم ؟ چهارم آنکه اعضای مجلس چه اشخاصی  
هستند ؟ .

مشیرالسلطنه با کمال خوشرویی ... بسؤالات من جواب داد و  
گفت علت تشکیل این مجلس یکی اعتراض سفیر فرانسه و انگلیس در  
باب کشتن چند نفر بدون محاکمه بر خلاف قانون اساسی بوده است و  
دیگر آنکه در بین محبوسین اشخاص بی تقصیر هستند که باید خلاص  
شوند ، جواب سؤال دوم آنکه مقصود از تشکیل مجلس تعیین مقصر و  
بی تقصیر و خلاصی اشخاص بی تقصیر است ، جواب سؤال سوم آنکه  
اشخاصی که با استعمال اسلحه قزاق یا غیر قزاق از قوای دولتی راکشاند  
و نیز کسانی که باعث این فتنه شده اند مقصرند ، مجرد مشروطه طلبی  
هیچگونه تقصیر نیست ، بگوش من گفت، من مسلمانم هر کس را دانستید  
مسلمان است خلاص کنید ، بعد اعضای مجلس را بیان کرد .

باری من مرحوم میرزا احمد خان اشتری را که در آنوقت منشی  
اول محاکم جزا بود با خود بیاعشاه بردم همینکه مجلس تشکیل شد دیدم

قهرمان خان حاجب الدوله هم حضور دارد و من چون او را نمی‌شناختم از حضور او نگران شدم ولی بعد ملتفت شدم که حضور او بهترین کمک برای خلاصی بیچارگان بود، خلاصه بعد از مشاوره قرار بر این شد که اول اشخاص بی‌نام که سواد اعظم محبوسین بودند احضار و مورد تحقیق واقع شوند .... آن اشخاص دست‌دست در مجلس تحقیق احضار و بعد از سؤالات ساده و اظهار عجز و زاری که رقت آور بود حکم خلاصی آنها صادر و بعد از آنکه حاجب الدوله بعرض شاه میرسانید خلاص میشدند» (۱)

صدر در خاطرات خود درباره آزادی سید یعقوب انوار شیرازی نوشته است « بد میرزا احمد خان اشتری فهماندم که بد او القا کند از درمعدرت خواهی درآید و جز این ترتیب راه خلاص برای او نیست، اشتری که قلم در دست داشت در پشت ناخن خود کلمه اعتذار را نوشت و بد اشاره سید یعقوب را ملتفت آن کرد، مشارالیه هر چه از او پرسیدند جواب نداد و گفت هر چه سؤال دارید بگوئید من فقط يك جواب میدهم و دیگر مطلقاً حرف نمیزنم .

من بد کنم و تو بد مکافات دهی پس فرق میان من و تو چیست بگو مجلس هیچ نظری در باره او نداد از من پرسیدند چه باید کرد؟ گفتم جوابی که داد مربوط بشخص شاد است، حاجب الدوله عیناً بشاد عرض کند، سایرین حرف مرا پسندیدند و موضوع مسکوت ماند .

---

۱- از خاطرات صدرالاشراف ( صفحه ۲۰۷ و ۲۰۸ کتاب خاطرات

من از اعظام قدسی .)

مجلس تحقیق منحل شد و آقا سید یعقوب شیرازی که من به استخلاص او علاقه داشتم و شاید دو سه نفر دیگر هم که من اطلاع ندارم در حبس ماندند تا ماه شعبان رسید روز سوم شعبان من بخیال افتادم بروم باغشاه و سعی کنم آقا سید یعقوب خلاص شود، وقتی به آنجا رسیدم به چادر مشیرالسلطنه صدراعظم رفتم وزراء و رجال و درباریان لباس پوشیده عازم شرفیابی بودند، محمدعلی شاه روز سوم شعبان که تولد «سیدالشهداء» علیه السلام است جشن میگرفت و سلام می نشست، در بارها که مرا دیدند پرسیدند برای چه اینجا آمده‌اید؟ گفتم برای اینکه عیدی از شاه بگیرم، چون میدانستند من اهل طمع نیستم پرسیدند چه عیدی میخواهی؟ گفتم خلاص آقا سید یعقوب و خواهش میکنم حالا که شرفیاب می شوید از قول من بشاه عرض کنید شما که برای اخلاص بحضرت سیدالشهداء جشن میگیرید اولاد او را آزاد کنید.

من نشستم تا حضرات از نزد شاه برگشتند، ابتدا آقای حشمت الدوله مرده داد که شاه او را عفو فرمودند سایرین هم با شرف این مرده را دادند و گفتند شاه امر به خلاص او داد و فرمود در طهران نباید باشد بشیراز برود، گفتم او پول و مخارج ندارد، صد تومان برای مخارج او حواله دادند و بعد از دو سه روز بشیراز رفت» (۱)

سید یعقوب انوار در تیر ماه ۱۳۲۴ در روزنامه ستاره و روزنامه کاروان ضمن بیان خاطرات خود از محکمه باغشاه چنین گفته است.

---

۱- از خاطرات صدرالاشرف شماره ۴۲ سال ۱۴ مجله سپید و سیاه.

«نمیدانم چه شده که شاه تصمیم گرفت محکمه تشکیل شود و یك يك زنجیری ها را محاکمه کنند، جلسه محکمه که در باغشاه تشکیل یافت از هر طبقه دو نفر شرکت داشتند و در آن محاکمه که آقای صدرالاشراف عضویت داشتند، آقایان قهرمان خان حاجب الدوله و محمد حسین میرزا مؤید السلطنه و مرحوم عون الملك منشی محاکمات وزارت خارجه نیز شرکت داشتند و محاکمه بطریق زیر بود .

روزها دو ساعت به غروب مانده دو نفر قزاق بدایق ما محبوسین میآمدند یکی از ماها را از زنجیر بزرگ باز کرده و با زنجیر شکاری که بگردن ما می انداختند يك قزاق سر آن را میگرفت با تفنگ در حال آتش ما را به محاکمه هدایت میکرد و در محکمه آقایان نامبرده بمحاکمه ما مشغول میشدند، هنوز فراموش نمیکنم روزی که مرا بمحاکمه دعوت کردند در حال تب و لرز بودم .

خوانندگان گرامی تصدیق خواهند فرمود در آن وقتی که محمدعلی شاه با نهایت سماجت و غضب در محکوم کردن ما بمحاکمه کنندگان دستور میدادند وضع قضات تا چه اندازه مشکل بود ولی حقیقت این است که اگر زحمات آقای صدر نبود محال بود که احدی از ما روی آزادی را ببینیم، خوب بخاطر دارم آقای صدر با نهایت دقت هنگام سؤال و پرسش سعی می کردند که تا می توانند راهپائی برای فرار و دفاع پیش پای ما بگذارند، مثلاً در مورد من بآهستگی دستور دادند که تقاضای عفو خود را از شاه بخواهم و من پس از آنکه خطاب به ایراد کردم که قضات را بخود

متوجه نمودم در خاتمه با خواندن این اشعار :

شنیدم کد در وقت نزع روان      بد هرمز چنین گفت نوشیروان  
کدخاطر نگهدارو درویش باش      نددربند آسایش خویش باش (۲)  
جلب توجه حضار را کرده همد يك کلام در آزادیم کوشیدند و  
همینطور هم درباره آقای یحیی میرزا اسکندری کد یگانه قهرمان حریت  
ایران و از برجسته ترین و فاضل ترین افراد مشروطیت بودند و در دوره  
اول رئیس انجمن حقوق و بنوشتن روزنامه حقوق مشغول بودند، آقای  
صدر بواسطه یکی از شماره های روزنامه ایشان تقاضای عفوایشان را از  
شاه کردند و پذیرفته شد همینطور نسبت بسایر محبوسین دیگر، آقای  
صدر با نهایت رافت و مهربانی رفتار کرده تا می توانستند در آزادی آنان  
می کوشیدند، خدا شاهد و گواه است آنچه را می نویسم از روی بی غرضی  
بوده و سالها بود کد میخواستم از این همتیکد آقای صدر برای استخلاص  
ما محبوسین گماشت تشکر کنم و بگوش هموطنان عزیزم برسانم بحمداله  
امروز موفق شدم .»

صدر در ۱۸ بهمن ۱۳۲۹ در باره محکمه باغشاه و سوابق سیاسی  
خود شرحی برای نامه هفتگی عسس (کد در سال ۱۳۲۹ و ۱۳۳۰ بمدیریت  
نویسنده رهبران مشروطه در طهران منتشر می شد ) نوشته چون با خط و  
اهضای اوست کلیشه آن با متن قسمتی کد مربوط بد باغشاه است نقل می شود.

---

۲ - بین گفته سید یعقوب و صدر در جزئیات آزادی سید یعقوب اندک  
اختلافی است قطعاً یکی از آن دو در ذکر جزئیات اشتباه کرده اند .

روزنامه محترم عس - در شماره ۷ شرحی از سوابق  
 اینجانب درج شده نظر باینکه اینگونه مقالات زمینه تاریخ آید خواهد  
 شد لازم گردید دوسه جمله آن که مورد نظر است برای آگاهی نگارنده  
 محترم و هموطنان بطور مختصر تذکر دهم .

نوشته صدر

۲۹/۱۱/۱۸ روزنامه محترم عس - در شماره ۷ شرحی از سوابق  
 اینجانب درج شده نظر باینکه اینگونه مقالات زمینه تاریخ آید خواهد  
 شد لازم گردید دوسه جمله آن که مورد نظر است برای آگاهی نگارنده  
 محترم و هموطنان بطور مختصر تذکر دهم .

۱ - نوشته شده است «صدر در چهل و سه سال قبل باز پرس دادگستری بود و تحقیقات از مجوسین باغشاه بعیده او محول گردید و بهمین جهت او را مستنطق باغشاه میگویند»

اگر چه برای اینجانب تفاوتی ندارد که در آن تاریخ شغل مستنطقی یا شغل قضائی دیگر داشتند ولی در آن تاریخ اینجانب رئیس محکمه جزا بودم و بسمت عضویت هیئتی که برای رسیدگی بحال مجوسین تشکیل گردید دعوت شدم و مستنطق مرحوم محقق نظمید بود و جهت تشکیل مجلس تحقیق هم این بود که سفرای دول خارجه به محمدعلی شاه که چند نفر از جمله مرحومین ملک الکلمین و جهانگیر خان صوراسرافیل را بدون تحقیق و اثبات تقصیر کشته بود اعتراض کردند .

شهرت مستنطقی من از طرف دشمنان من بمنظور اثبات نسبت های ناروایی که میخواستند مصحح استعمال کلمات قصاب ، دژخیم باغشاه، قرار دهند بود . . . .»

### همکاری بامشیرالدوله

مشیرالدوله که در موقع بمباران مجلس وزیر عدلیه بود (۱) پس از فتح طهران هم قریب دو سال در کابینه های مختلف ، وزارت

---

۱ - در موقع بمباران مجلس ومجاکات باغشاه مشیرالدوله وزیر عدلیه ومؤمن الملك وزیر معارف بود، ملکزاده نیز به این نکته اشاره کرده و آندو را نکوهش کرده است (ص ۴۷ ج ۴ تاریخ مشروطیت ایران) .

عدلیه را بعهدہ داشت ! قانون تشکیلات عدلیہ و قانون اصول محاکمات را  
او تنظیم کرد .

مشیرالدوله هدفش تشکیل محاکم عرفی و کوتاہ کردن دست مجتہدان  
از مرافعات و محاکمات مردم بود، او قانونہای اروپائی پسند و موافق با  
مقتضی زمان درپیش آورد ولی مقتضیات محلی را در نظر نگرفت از اینرو  
عدلیہ گرہ گشای کار مردم نشد .

مواد تدوین شدہ از طرف مشیرالدوله در برخی از موارد باموازن  
اسلامی و فقہ جعفری ظاہراً سازگاری نداشت بدین سبب متشرعان بکار قانون  
نویسی مشیرالدوله نیکبین نبودند . او برای جلب توجہ مردم  
مردم و برای آنکہ عدلیہ را وجہ روحانی بدهد جمعی از  
فقہاء پیر و جوان را برای خدمت در عدلیہ دعوت کرد و صدر واسطۃ این  
دعوت ہا بود، با اینحال بسیاری از روحانیان و قضات کہ بد فقہ شیعہ تکیہ  
داشتند مشیرالدوله را در بعضی از اصلاحاتش مصاب نمی دانستند بخصوص  
برداشتن مسئلہ ترازی در طرح دعوی و معمول کردن تمہر و گرفتن حتموق  
دولتی برای تقدیم دادخواست ناراضی بسیار داشت . (۱)

---

۱ - ادیب الممالک کہ خود از دانشمندترین قضات بودہ درباره عدلیہ  
مشیرالدوله در قطعہائی گفته است :

|                          |                        |
|--------------------------|------------------------|
| مگذر از کنار عدلیہ       | کہ خرابست کار عدلیہ    |
| آن شنیدم مشیردولہ شبی    | گفت با مستشار عدلیہ    |
| من همانم کہ کردہ ام فاسد | تا ابد کاروبار عدلیہ   |
| پند من بشنو و بخاطر دار  | سلب کن اقتدار عدلیہ    |
| شرع را نیز از میان بردار | تا شوی یادگار عدلیہ    |
| ہم خود بر رواج تمہر گمار | نیست جز این شعار عدلیہ |
| عدل اگر بود میزدند آتش   | از یمین و یسار عدلیہ   |

## مأموریت گیلان

در خرداد ۱۲۹۸ هنگامی که عبدالحسین خان سردار معظم خراسانی ( تیمور تاش ) فرمانروای گیلان بود صدر بدستور و ثوق الدوله بریاست عدلیدگیلان منصوب شد .

او عدلیدگیلان را سازمان داد اما بین او و تیمور تاش اختلاف‌هایی بروز کرد ، تیمور تاش حکومت نظامی برقرار کرده بهرچه اراده میکرد انجام میداد ، صدر دادگستری گیلانرا از زیر نفوذ تیمور تاش بیرون آورد و پس از چند ماه که جمعی از یاران جنگل بدستور تیمور تاش تیرباران شدند صدر بدعنوان اعتراض گیلان را ترك گفت و بد طهران بازگشت و ثوق الدوله را چنانکه باید در جریان وقایع گیلان گذاشت و قدرت محلی و نفوذ ملی میرزا كوچك خان را توضیح داد ، و ثوق الدوله كه اطلاعات دیگری هم از وضعیت گیلان بدست آورده بود بدصدر دستور داد بد گیلان بازگردد و او را مأمور مذاکره با میرزا كوچك خان نمود ، تیمور تاش هم بطهران احضار شد .

مذاکره صدر و میرزا چند جلد ادامه یافت ، پیشنهاد و ثوق الدوله این بود كه سواران جنگلی بدعنوان ژاندارم محلی شناخته شوند و میرزا فرمانده افتخاری آنان باشد و حقوق و مصارفشان را دولت بدهد مشروط بر آنكه از هر حیث بد اطاعت دولت در آیند، صدر با میرزا كوچك خان در این گفتگو بود كه بامداد روز ۲۸ اردی بهشت ۱۲۹۹ ارتش سرخ بدبندر

انزلی (پهلوی) پیاده شد و میرزا گفتگوی با صدر را قطع کرد ، پس از چند هفته میرزا کوچک خان و نیروی او در میان استقبال جمعی از مردم وارد شهر رشت شدند و میرزا احمد خان اشتری حکمران گیلان کار حکومتی را بد او واگذار کرد. بلشویکها نیز بشهر درآمدند و کمیته انقلاب سازمانهای دولتی را تصرف کرد و چند رئیس اداره توقیف شدند ، یکی از توقیف شدگان صدر رئیس دادگستری بود .

صدر در یاد داشتهای خود نوشتد است ، میرزا کوچک خان قبالا او را بهمکاری دعوت کرد و توقیف او هم بد مصلحت و برای رهایی از خطر بلشویکها بود و در ایام توقیف شیخ احمد سیگاری از طرف میرزا برای او پیغام میآورد ، ولی مؤلف کتاب سردار جنگل گفتد است ، صدرو عیسی صدیق (صدیق اعلم) رؤسای عدلید و معارف گیلان با وساطت شیخ احمد سیگاری آزاد شده بطهران بازگشتند (خرداد ۱۲۹۹) (۱).

### چند مأموریت

از تیر ماه ۱۲۹۹ تا تیر ماه ۱۳۰۲ صدر قاضی محاکم اسیناف طهران بود، در تیر ماه ۱۳۰۲ (زمان ریاست وزرائی مشیرالدوله و وزارت عدلیه حکیم الملک) مأمور ایجاد سازمان نوین دادگستری آذربایجان شد و بد تبریز رفت و پس از سازمان دادن دادگستری آذربایجان در بهمن ۱۳۰۲ بد طهران بازگشت و بعد از چندی بریاست اداره امور (تفتیش قضائی)

---

۱ - صفحه ۲۲۱ سردار جنگل از ابراهیم فخرائی .

منسوب گردید .

در اردی بهشت ۱۳۰۵ در رشت شورشی روی داد ، مردم بعنوان اعتراض به دخالت عوامل کشوری و لشکری دولت در امر انتخابات دوره ششم گیلان در تلگرافخانه متحصن شده شهر را سیاهپوش کرده و تعطیل عمومی بر پا ساختند .

ادیب السلطنه سمیع و صدرا از وزارت داخله و وزارت عدلیه برای رسیدگی بشکایات مردم مأمور گیلان شدند و با کمک سرتیب فضل الله زاهدی فرمانده تپ گیلان موفق به ایجاد آرامش و رفع اختلاف گردیدند .

#### در عدلیه دآوری

در اردی بهشت ۱۳۰۶ که عدلیه با تشکیلات نوین خود بوسیله میرزا علی اکبر خان داور گشایش یافت صدر بریاست تفتیش قضائی منصوب گردید، در ۱۳۰۷ برای اختلاف شدیدی که بین مالکان و دهقانان روستاهای اراک بمناسبت تاسیس اداره ثبت اسناد و املاک پیش آمده بود از طرف داور مأمور اراک شد. پس از تأسیس اداره ثبت در اراک، مالکان روستاها بصدد تقاضای ثبت روستاهای خود برآمدند ولی از تصدیق حق اعیانی خاندها و باغهای دهقانان خود داری نمودند ، این موضوع مشاجرات خونین در اراک پیش آورد، صدر رفت و توانست با حسن نیت و سنجیدگی این اختلاف را حل کند و مالکان و مأموران ثبت را در طریق مسالمت بادهقانان راهنمایی نماید. صدر در ۱۳۰۸ بریاست محکمه انتظامی

و در ۱۳۱۰ بریاست شعبه دیوان کشور منصوب گردید و بعد از فوت میرزا رضا خان نائینی دادستان کل، صدر بدادستانی کل کشور انتخاب شد شایع بود که، در تصدی این کار مقامات مؤثر به او کمک کردند و گرنه داور به میرزا رضا خان وجدانی نظر داشت.

### وزارت دادگستری

در شهریور ۱۳۱۲ در کابینه محمد علی فروغی داور به وزارت دارائی و صدر به وزارت دادگستری منصوب شدند.

صدر که فقیه و متشرع و دارای مشرب روحانی بود روش کارش با روش داور که حقوقدانی متجدد و انقلابی بود فرق داشت، بهمین مناسبت سازمان نوین عدلیه آنچنانکه داور بوجود آورده بود پیش رفت و شیوه کار دادگستری در برخی ازامور بشیوه پیش از سازمان جدید گرایش جست. بعضی از قضات که تحصیلات قدیمی و تربیت مالائی داشتند روش معتدل صدر را بر شیوه کار داور ترجیح میدادند ولی قضات متجدد شیوه کار داور را می پسندیدند و چندین قاضی از این گروه به وزارت دارایی یا وزارت خارجه رفتند و دادگستری را ترك گفتند.

صدر که حقوقدان و آشنای به کار دادگستری بود شغل وزارت را با شایستگی شروع کرد و در استقلال سازمانهای قضائی کوشید اما نفوذ و بصیرت و احاطه داور را نداشت.

## خریداری زمین برای دانشگاه

در سال ۱۳۱۳ صدر به امر اعلیحضرت رضا شاه مأمور شد دویست هزار متر از اراضی جلالیه را برای احداث دانشگاه خریداری نماید، او با حاج رحیم آقا اتحادید تماس گرفت و قرار شد دویست هزار متر از اراضی مزبور را از قرار متری پنج ریال بطور اقساط بدولت بفروشد، وقتی گزارش این مذاکره را در هیئت دولت مطرح کرد به پیشنهاد داور قرار شد دولت زمین را نقداً بپهای متری چهار ریال خریداری نماید، زمین دانشگاه با تصویب اعلیحضرت فقید باین ترتیب خریداری شد (۱)

---

۱ - اراضی جلالیه در اصل متعلق به جلال الدوله فرزند ظل السلطان بود، در ۱۳۰۹ ق جمعی از اهالی یزد به طهران آمده و جلوكا لسكه ناصرالدین شاه را گرفتند و ادعا کردند که جلال الدوله که قبلاً حکومت یزد داشته مبالغی کلی به آنان مدیون است.

شاه به شیخ محسن خان معین‌الملک وزیر عدلیه دستور رسیدگی و رفع شکایت داد، وزیر عدلیه پس از احضار جلال الدوله و روبرو کردن او با شاکیان و رسیدگی به اسناد و اظهارات دوطرف جلال الدوله را بیچهل هزار تومان محکوم کرد و شاه دستور اجرای حکم داد، جلال الدوله که پول نداشت به وزیر عدلیه وکالت داد چهار دانگه فرح زار و مزرعه چیت گرو اراضی جلالیه را در بانک استقراضی روس گرو بگذارد و پول یزدیها را بدهد، شیخ محسن خان همینکار را کرد و مطالبات یزدیها را داد، جلال الدوله چون نتوانست آن رقبات را از گرو بانک استقراضی بیرون بیاورد بانک آن رقبات را تملک کرد و پس از انقلاب روسیه آن رقبات مطابق قرار داد ۱۹۲۱ ملک دولت ایران شد و قسمتی از اراضی جلالیه را حاج رحیم آقا اتحادیه و قسمتی را نصرت الدوله از دولت خریداری کردند.

صدر پس از استعفای کابینه فروغی در کابینه جم که در آذر ماه ۱۳۱۴ تشکیل گردید نیز سمت وزارت عدلیه را داشت و در ۲۵ مهر ۱۳۱۵ مستعفی شد و دکتر متین دفتری معاون وزارت عدلیه بوزارت منصوب گردید. استعفا یا بر کناری صدر غیر مترقب بود و شایعات بسیار همراه داشت آنچه در آن زمان شهرت داشت استعفای او با محاکمه متهمان وزارت طرق (راه) مربوط بود، در محاکمه متهمان وزارت طرق منصور الملک وزیر راه در دیوان کشور تبرئه گردید و ۲۵ نفر متهمان دیگر وزارت راه در دیوان جزای عمال دولت محاکمه شدند، در محاکمه آنان اعمال نفوذ شد، نسبت به بعضی از متهمان چون عزت الله هدایت و عیسی کورس بیش از حد ارفاق بعمل آمد و نسبت به برخی دیگر چون سلطان محمد عامری و محمد نبوی و حسن فزل ایاغ مجازاتهای شدید و بی گذشتی قائل شدند شهرت داشت که جعفر جوان و یکانی رئیس و عضو دادگاه از حدود عدالت خارج شده اند و نیز الملک هدایت رئیس و سید نصر الله تقوی دادستان کل هم در بعضی موارد توصیه و اعمال نفوذ کرده اند. (۱)

پرونده متهمان وزارت راه پر صدارتین پرونده دادرسی آن زمان بود که زیر نظر یوسف جوادی دادستان دیوان جزا تنظیم شده بود و صدور حکم آن تغییرات زیادی را در دادگستری همراه داشت (۲)

---

۱ - سید نصر الله تقوی از سران فراماسون ایران بود، فروغی پس از انتصاب صدر به وزارت دادگستری سید نصر الله را بواسطه هم مسلکی بدادستانی کل برگزید.

۲ - در بیوگرافی منصور الملک از این پرونده بتفصیل یاد خواهد شد.

یکی دیگر از پرونده‌های پر صدای دوره صدر پرونده داری رضای افشار وزیر پیشین راه بود که در خرداد ماه ۱۳۱۵ انجام شد ، افشار در جریان ند معاملده با تجارتخانه کورس اخوان متهم بد تبانی با عیسی کورس و گرفتن سی و دو هزار ریال رشوه بود ، در حالیکه او خودش گرفتن پول را يك قرض ساده تلقی میکرد و برای تشکیل پرونده خود جهات سیاسی قائل بود ، ولی سرانجام بد شش ماه حبس تادیبی و پرداخت دو برابر وجه مورد اتهام محکوم گردید .

### وکالت و وزارت

صدر در دوره ۱۱ و ۱۲ و ۱۳ بنمایندگی محلات انتخاب شد و در مجلس شورای ملی شرکت کرد، چندی هم در دانشکده الهیات و معارف اسلامی درس حقوق میداد، قبل از سپری شدن مجلس دوره سیزدهم در مرداد ۱۳۲۲ در کابینه علی سهیلی بار دیگر بوزارت دادگستری منصوب گردید و تا آغاز سال ۱۳۲۳ کسد کابینه سهیلی کنار رفت صدر در وزارت دادگستری باقی بود . و بحکم مسئولیت مشترك در خوب و بد اعمال دوات سهیلی شرکت داشت .

### نخست وزیری پر جنجال

پس از سقوط دولت اول حکیمی در اوائل خرداد ۱۳۲۴ صف اکثریت نمایندگان در مجلس گرد آمدند و از ۶۸ نفر نماینده حاضرشت نفر بزماداری صدر الاشراف رأی تمایل دادند ( ۱۵ خرداد ۱۳۲۴ ) و فرمان نخست وزیری وی صادر شد و پس از يك هفته مطالعه وزیران

## خود را معرفی کرد . (۱)

ولی حکومت صدر با مخالفت آشتی ناپذیر اقلیت روبرو شد ، اقلیت مجلس از سقوط دولت بیات کد در ۲۸ فروردین با توطئه اکثریت انجام گردیده بود دلتنگی داشت و چون پس از سقوط دولت حکیمی اکثریت بدون دعوت و بدون جلب نظر اقلیت بزمامداری صدر رأی تمایل داده بود در برابر این بی اعتنائی اکثریت ، اقلیت بمخالفت با تصمیمات اکثریت برخاست ، بخصوص که معتقد بود ابراز تمایل بزمامداری صدر برخلاف نظامنامه مجلس بوده و مجلس وقتی می توانست است اظهار تمایل بزمامداری صدر بنماید که لا اقل در موقع مذاکره دوثلث اعضای مجلس و در موقع رأی سه چهارم نمایندگان حاضر بوده باشند ، اقلیت معتقد بود که اکثریت اصول را زیر پا گذاشته و برای اقلیت نیز حقی قائل نشده ، برخی از لیدران اقلیت علاوه بر ایرادهای فوق الذکر دولت صدر را در آن موقع (بدون آنکه فرصت عمل به او بدهند ) قادر بحل مشکلات مملکت نمیدانستند ، منفردین هم بصف اقلیت پیوستند ، فراکسیون حزب توده هم با اقلیت هماواز شد

---

۱ - صدر نخست وزیر و وزیر کشور - نصر الملك هدایت وزیر مشاور - منصور السلطنه عدل وزیر مشاور - بدر وزیر دارائی - عز المالك اردلان وزیر داد گستری - گلشائیان وزیر پیشه و هنر - دکتر سعید ممالك وزیر بهداری - احمد اعتبار وزیر پست و تلگراف - ابراهیم زند وزیر جنگ - انوشیروان سپهبدی وزیر خارجه - آراسته وزیر راه - دکتر نخعی وزیر کشاورزی - غلامحسین رهنما وزیر فرهنگ .

و در نتیجه يك اقلیت قوی در مجلس برضد حکومت صدر بوجود آمد که رهبری آنان با دکتر مصدق بود .

اقلیت روز ۲۲ خرداد اعلامیه‌ی در روزنامه اطلاعات منتشر کرد و دلایل مخالفت خود را با دولت توضیح داد و تصمیم خود را برای جلوگیری از تشکیل جلسدهای مجلس ( استرکسیون ) به اطلاع مردم رسانید .

پس از صدور بیانیه اقلیت صدر در ۲۷ خرداد این نامه را به سید محمد صادق طباطبائی رئیس مجلس نوشت .

جناب آقای طباطبائی رئیس مجلس شورای ملی .

این جانب بر حسب تمایل مجلس و فرمان اعلیحضرت همایون شاهنشاهی روز سه‌شنبه ۲۲ خرداد هیئت دولت را تشکیل و حضور ملوکانه معرفی نمودم دولت از آن تاریخ طبق معمول شروع بکار نموده ضمناً آماده برای حضور در مجلس و معرفی و تقدیم لوایح فوری ضروری مالی و غیره می‌باشد و چون تأخیر در تصویب پاره از لوایح ممکن است موجب اختلال در امور جاری کشور و فوت منافع دولت گردد خواهشمند است توجه لازم مبذول فرمایند که هر چه زودتر مجلس شورای ملی تشکیل و نسبت به تصویب لوایح ضروری و فوری مخصوصاً لوایحی که جنبه مالی دارند بذل توجه مخصوص بعمل آید .

نخست وزیر - محسن صدر

طباطبائی نامه صدر را وسیله طوسی نماینده مجلس برای رهبران اقلیت فرستاد ، از طرف اقلیت جواباً برئیس مجلس اطلاع داده شد که به

ادامهٔ ابسترکسیون مصمم هستند ، در عین حال خواستند که رئیس مجلس بر رئیس دولت تکلیف استعفا بنماید و تذکر دهد که قبل از استعفا هم از اتخاذ تصمیماتی که در صلاحیت يك دولت قانونی می باشد خود داری کند .

پس از گفتگوی بسیار بین اکثریت و اقلیت، روز پنجم تیر جلسهٔ مجلس تشکیل شد و صدر دولت خود را معرفی کرد ولی ابسترکسیون پس از آن ادامه یافت در عین حال حملات شدید روزنامه‌های ارگان اقلیت و روزنامه های دست چپی بد صدر شدت جست و از او با عناوینی از قبیل دژخیم باغشاه و مظهر ارتجاع یاد میکردند .

صدر برای جلوگیری از تحریکات زیانخیز حزب توده حکومت نظامی برقرار و بتوقیف چند روزنامه مخالف اقدام کرد و باین مناسبت حملات روزنامه‌های وابسته بد اقلیت نسبت بد صدر شدت جست . (۱)

سیدضیاءالدین طباطبائی رهبر حزب اراده ملی که از رهبران اکثریت پارلمانی بود روز دهم تیر ماه در محل حزب اراده ملی با حضور چند هزار نفر جمعیت سخنانی بطرفداری دولت صدرا ایراد کرد و متن سخنان خود را بصورت اعلامیه درجراید منتشر نمود و از سوابق سیاسی صدر دفاع کرد .

---

۱ - نمایندگان اقلیت - دکتر مصدق - سردار فاخر - آشتیانی - امیر نصرت اسکندری - عامری - قائم مقام رفیع - عزت الله بیات - افشار صادقی - مهندس پناهی - رحیمان - بهادری - تیمورتاش - تیموری اپیکچیجان - صادقی - طوسی - حبیب الله دری - تهرانچی - عدل - فتوحی - محمد ولی فرمانفرمایان - مهندس فریور - دکتر فلسفی - صدر قاضی - محمد آخوند مظفرزاده .

در ۲۶ تیر اقلیت برای تصویب پرداخت حقوق کارکنان دولت حاضر بد شکستن ابسترکسیون شد و قانون پرداخت سه دوازدهم یعنی حقوق و مخارج مستمر تیر و مرداد و شهریور ادارات دولتی تصویب گردید، در همین موقع مطابق مذاکراتی که بین اکثریت و اقلیت انجام گردید موافقت شد که دو گروه جلسه مجلس را تشکیل بدهند و دولت صدر رأی اعتماد بگیرد، اگر چهل مخالف داشت کناره گیری کند و اگر مخالف او از چهل نفر کمتر شد اقلیت با او موافق گردد، اما این توافق بمرحله عمل نزدیک نشد.

بهانه دیگری که بدست اقلیت افتاد این بود که دولت در زمان بلا تکلیفی خود برای خرید وسایل موتوری فرسوده و واگن و لکوموتیوهای ارتش امریکا بوسیله بدر وزیر دارائی بامقامات امریکائی مقیم طهران وارد مذاکره شده وسایل مزبور را به ده ملیون دلار ارزیابی کردند. در این مورد از طرف اقلیت در مجلس اعلام جرم شد، در این اوقات لا تکلیفی دولت ایران در خارج از کشور انعکاس نا مطلوبی داشت و زمزمه های ناهنجاری نیز در آذربایجان آغاز گردید، از جمله شب ۲۵ تیر رادیوی لبنان بدنقل از خبرگزاری فرانسه اطلاع داد «کمیته ایالتی حزب توده آذربایجان الحاق آذربایجان ایران را به آذربایجان شوروی خواستار است.»

در اوایل مرداد ماه در تبریز و ليقوان از طرف افراد حزب توده

و دموکرات چند شرارت و قتل و غارت بوقوع پیوست و حاج احتشام مالک لیقوان بدست افراد حزب توده کشته شد و در تبریز تظاهرات موخش روی داد ، در خراسان یک سرهنگ دوم بنام نوایی و یک سرگرد بنام اسکندانی با عددی افسر جزء و سرباز دو کامیون و مقداری اسلحه ارتش را برداشته از طریق بجنورد به ترکمن صحرا گریختند تا بدو هزار ترکمن ملحق شوند و نقشی که دارند اجرا نمایند .

تلگراف این حادثه نیمه شب ۲۳ مرداد به صدور به وزیر جنگ رسید ، صدر آن شب تا صبح نخواید و با وزیر جنگ و رئیس ستاد (سر لشکر ارفع) در مشورت و گفتگو بود سرانجام رئیس ستاد بتمام واحدهای ارتش و ژاندارمری دستور تارومار کردن فراریان را داد و پس از سه روز ژاندارمری گنبد کاوس جلوی افسران فراری را گرفت ، نوایی و چند نفر کشته شدند و دیگران متواری گردیدند (۲۹ مرداد) .

از رویدادهای مهم که در زمان دولت صدر اتفاق افتاد تشکیل کنفرانس سران سه دولت (روزولت رئیس جمهور آمریکا - چرچیل نخست وزیر انگلیس - استالین نخست وزیر شوروی) در پوتسدام نزدیکی برلن بود ، این کنفرانس پس از تسلیم آلمان تشکیل شد .

دولت اقداماتی کرد که در پوتسدام برای تخلیه تمامی ایران از قوای متفقین تصمیم گرفته شود اما مؤثر واقع نشد ، در کنفرانس پوتسدام انگلیس و روس با تخلیه طهران موافقت کردند ولی تخلیه نهائی ایران را

دردستور کار شورای وزیران خارجد قرار دادند و این کار را بداستناد شرط پیمان سدگاند موکول بد شش ماه پس از شکست قطعی آلمان و همدستانش نمودند ، این تصمیم بوسیله لاسر مستشار سفارت انگلیس و ماکسیموف سفیر روس بدولت اطلاع داده شد و تخلیه طهران از قشون انگلیس از ۱۳ مرداد آغاز گردید .

ژاپن هم در ۲۴ مرداد ( پس از انفجار بمب اتمی امریکا در هیروشیما ) تسلیم شد و جنگ در ۱۱ شهریور پایان یافت ، دولت صدر بار دیگر بوزارت خارجد کشورهای انگلیس و امریکا و شوروی نامد نوشت و تخلیه تمامی ایران را از نیرویی که باقی مانده بود خواستار گردید و نیز بد سد دولت امریکا و روس و انگلیس تسلیم ژاپن و پایان قطعی جنگ را تبریک گفت .

چندی بعد در کنفرانس وزیران خارجد کشورهای بزرگ که در ۲۵ شهریور در لندن تشکیل گردید بوین وزیر خارجد انگلیس ضمن سخنان خود راجع بد کنفرانس پتسدام تصریح کرد که در آن کنفرانس تنها بتخلیه طهران تصمیم گرفته شده است ، دولت صدر باین موضوع اعتراض شدید کرد .

آمریکا و انگلیس قبالا بتخلیه کامل ایران تصمیم گرفتند و مشغول بیرون بردن نیروهای خودشان از ایران بودند اما دولت شوروی بهانه جویی میکرد و حاضر بتخلیه منطقه قزوین تا مرز آذربایجان نمی شد و مذاکرات

دولت به نتیجه نرسید . (۱)

صدر در جلسه ۲۸ مرداد مجلس حاضر شد و راجع به حوادث مختلف کشور باصراحت توضیحاتی داد و اطلاعاتی در اختیار نمایندگان گذاشت و تصریح کرد که تسلیم آشوب و هرج و مرج نمی‌شود .

پس از این تاریخ نمایندگان در منزل رهبر اقلیت حاضر شدند و طرح توافق ۲۶ تیر را بمرحله عمل درآوردند، صدر هم با آن طرح موافقت کرد، در روز ۱۵ شهریور جلسه علنی تشکیل شد صدر با وزیران کابینه‌اش حاضر شدند . رهبر اقلیت سخنانی گفت و نظریه اقلیت را در خصوص سیاست داخلی و خارجی تشریح نمود و نتیجه گرفت که دولت صدر قادر بر رفع مشکلات نیست و باید برود .

در این جلسه صدر شخصاً بدانه‌ها را رهبر اقلیت پاسخی کوتاه داد و راجع بخرید لوازم فرسوده موتوری ارتش امریکا گفت « آنچه گذشته مذاکره و پیشنهاد بوده و وارد مرحله عمل نشده است . » (۲)

---

۱ - دکتر مصباح‌زاده مدیر روزنامه کیهان که در آن زمان بعنوان استاد دانشگاه در امریکا بسر می‌برد پس از نشر اظهارات بوین در محافل دانشگاهی و مطبوعاتی امریکا چند نطق مؤثر درباره خدمات ایران به پیروزی و لزوم تخلیه فوری ایران ایراد نمود و خبر گزاردیه‌های خارجی متن سخنانش را منتشر کردند، و بسیار حسن اثر داشت .

۲ - این مذاکرات در دولت حکیمی وارد مرحله عمل شد و زبان بسیار به خزانه کشور وارد آمد .

نصرالملک هدایت در دفاع از دولت صدر نطق پرهیجانی ایراد کرد،  
انوشیروان سپهبدی وزیر خارجه هم راجع به اشیاء فرسوده ارتش آمریکا  
سخنانی ایراد نمود که با چاپلوسی نسبت به آمریکائیان همراه بود، بدر  
وزیر دارائی هم توضیحاتی داد.

سیدضیاءالدین طباطبائی نیز در دفاع از دولت صدر الاشراف سخن  
راند و همینکه رأی گرفته شد صدر ۶۹ رأی سفید ( موافق ) و ۴۰ رأی  
کبود ( مخالف ) داشت، ۶۹ رأی برای ادامه خدمت کافی بود، نمایندگان  
اکثریت هم صدر را به ادامه کار دعوت میکردند ولی اقلیت روی توافقی  
که شده بود با وجود چهل رأی مخالف استعفای صدر را میخواست.  
مخالفت اقلیت وقتی شدت جست که روز ۲۰ شهریور بدستور صدر حزب  
توده از طرف مأموران انتظامی اشغال شد و روزنامه‌های دست چپی توقیف  
گردیدند و در جریان اشغال حزب توده دکتر کشاورز لیدر فراکسیون پارلمانی  
حزب توده مضروب و مجروح شد.

صدر که در دوران کوتاه و پر آشوب زمامداری خود با ابراز  
قدرت در برابر نقشه‌های خطرناک دستجات چپ مقاومت میکرد  
پس از گرفتن رأی اعتماد برای ادامه زمامداری چندی در تردید و تأمل  
ماند و عاقبت در برابر کار شکنی دسته مخالف صلاح خود را در استعفا  
دید و روز ۱۹ مهر استعفا داد، بیشتر مطبوعات صدر را به ارتجاع و  
جانبداری از سیاست يك طرفه متهم کردند.

این اتهام برای آن بود که صدر جلو فعالیت‌های تخریبی حزب توده را باشدت گرفت، باسختگیری و مقاومتی که صدر در دولت مترزل خود نشان داد میتوان گفت که اگر اقلیت مجلس با او سازگاری میکرد و دولت وی از طرف پارلمان تقویت و پشتیبانی می‌گردید شاید حوادث شومی که بعداً در زمان دولت ناتوان حکیمی روی داد واقع نمی‌شد.

### پس از نخست وزیری

صدر پس از استعفای از نخست وزیری به عزم زیارت عتبات از ایران خارج شد، مدت یکسال ونیم در عراق و سوریه و مصر و فلسطین بود و در خرداد ۱۳۲۶ به ایران بازگشت و در همان سال به سمت امیرالحاج انتخاب گردید و در مکه بحضور ملک سعود باریافت، پس از بازگشت از سفر مکه در سال ۱۳۲۷ استاندار خراسان شد و قریب سه سال در خراسان بود. در همان اوقاتی که استانداری خراسان را داشت برای حمل جنازه اعلیحضرت رضاشاه سفری به مصر رفت و در شهر یور ۱۳۳۰ از استانداری خراسان مستعفی شد. بطهران آمد و برای مدتی رهسپار محلات گردید و به احداث باغ مشغول شد.

### در مجلس سنا

صدر در اسفند ماه ۱۳۳۲ در دوره دوم سنا بسمت سناتور خراسان منصوب گردید و اعتبار نامدش در ۱۳۳۳/۱/۲۸ تصویب شد.

در اردیبهشت ۱۳۳۵ ریاست مجلس سنا انتخاب گردید . صدر در دوره سوم سنا نیز ریاست داشت و در دوره ریاست نظم جلسدها و صورت اداری مجلس سنارا بخوبی اداره کرد. اودر زمان انحلال سنا (۴۰/۲/۱۹) رئیس مجلس سنا بود و در دوره فترت ریاست هیئت مدیره را داشت .

### پایان کار

آخرین مأموریت صدر ریاست هیئتی بود که برای شرکت در جشن استقلال کویت در تیره ماه ۱۳۴۰ عازم کویت شدند، بین نمایندگان کشورهای غیر عربی صدر بواسطه دانستن عربی و شیخوخت مورد توجه و احترام مخصوص امیر کویت واقع شد .

صدرازا آغاز سال ۱۳۴۱ دچار سرطان مغز شد کسالت پرستات هم او را رنج میداد برای معالجه سرطان به لندن رفت ولی درمان مؤثر واقع نگردید و به ایران بازگشت و در منزل خود بستری شد، دکتر لقمان الملک و دکتر اعلم الملک از اوعیادت می کردند، علاء وزیر دربار و سایر رجال نیز بارها به عیادت اورفتند عاقبت روز ۲۷ مهر ۱۳۴۱ در زعفرانیه در خانه شخصی خود بدرود زندگی گفت ، دکتر جواد صدر فرزند وی که در آنوقت وزیر مختار ایران در ژاپن بود به طهران آمد و جنازه صدر بصیت خودش به نجف فرستاده شد .

### خصوصیات اخلاقی

صدر حقوقدان و فقیه بود روح تقوی و تربیت ملائی داشت .

هرگز واجبات دینی و فرائض مذهبی را ترك نمیکرد و شعائر ملی را نیز محترم میداشت .

در کارها صریح و مصمم بود نزدیکی با مراکز قدرت و هماهنگی با سیاست زمان وسیله ترقیات سیاسی او را فراهم آورد ، او در هر مقامی بود مردمداری میکرد ، و از کسی روپنهان نمی نمود هنگام وزارت یا ریاست مجلس سنا بسا اشخاص شناسا یا ناشناس بدون داشتن وقت قبلی صبح زود بخانه صدر میرفتند ، او چون سحر خیز بود عباى خود را ( که همیشه در خانه می پوشید ) بدوش می کشید و بملاقات مهمان میرفت و تا آنجا که می توانست در انجام حوائج مردم سعی و کوشش میکرد و در تمام برخوردها قیافه جدی داشت . اندام بلند و لاغر او تا آخر عمر استقامت را از دست نداد .

صدر نسبت بهمشهریان خود یعنی مردم محلات توجه و محبت مخصوص داشت ، هر محلاتی که به طهران می آمد و به او مراجعه میکرد او را به شغل و سمتی می گماشت ، چنانکه شایع بود در زمان وزارت دادگستری بیش از پنجاه نفر آخوند محلاتی را به سردفتری اسنادرسمی منصوب کرد .

صدر نسبت بکسانیکه محبت داشت با گذشت و اغماض بود ، چنانکه در دوره اول وزارت دادگستری در میان قضات مورد اعتماد او

چند نفر بودند که حسن شهرت نداشتند ولی صدر اعمال آنان را با نیک بینی و اغماض می‌نگریست .

## ثروت و آثار

صدر در آغاز زندگی قضائی خود باغ آصف‌الدوله را در خیابان ری خریداری کرد و تا بیست‌سال پیش از فوتش در آنجا میزیست ، سپس آن باغ را فروخت و در زعفرانید شمیران منزلی تهیه کرد ، بجز منزل زعفرانید چند مستغل کوچک در دروازددولت و یکدانگ و نیم از یک روستا و یک کارخانه پنبه پاک‌کنی در محلات داشت و ملک محلات موروثی او بود . صدر بجز جزوهای درس حقوق که در دانشکده الهیات تدریس میکرد چند یادداشت مختصر از سوانح زندگیش نوشت که کوتاه و ناقص ولی ارزنده‌است ، در تدوین و اصلاح بعضی از قوانین دادگستری از جمله جلد دوم قانون مدنی نیز شرکت داشت ، نمونه خط او را قبلاً در این بیوگرافی دیدیم .

## بازماندگان

صدر در عمر طولانی خود یک همسر موقت و یک همسر دائم اختیار کرد ، از همسر موقت خود یک فرزند بنام سید حسن صدر داشت که در جوانی درگذشت ، از همسر دائم خود سه پسر و سه دختر داشت .

دوپسر او سید ابوالقاسم صدر و سید کاظم صدر در زمان حیات پدر  
درگذشتند و حین القوت فرزند او منحصر بد یك پسر (دکتر جواد صدر) و  
سد دختر بود ، فرزندان صدر از تربیت مذهبی پدر برخوردارند .

بایان - آذرماه ۱۳۴۷

**تذکر :** چند نامه از اصفهان و طهران رسیده و چند لغزش  
و نقطه ضعف به ضرغام السلطنه و پسرش ابوالقاسم خان نسبت داده  
و دلایلی ذکر گردیده است. در موقع مناسب مفاد نامه‌های مزبور  
را در این نشریه منعکس می‌کنیم و هنگام تجدید چاپ بیوگرافی  
ضرغام السلطنه نیز توضیح می‌دهیم .